

یادداشت

سیاست صنعتی فولاد چین

نگاهی به سیاست‌های معدنی و صنعت استخراج معادن

رضاموسایی

سیاست‌پژوه صنعت و معدن

صنعت فولاد چین یکی از ارکان اصلی اقتصاد این کشور است که در سایه آن، این کشور به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان مواد معدنی در جهان تبدیل شده است. چین به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده فولاد در سطح جهانی، در کنار این موفقیت، به بزرگ‌ترین تأمین‌کننده مواد اولیه مورد نیاز برای این صنعت نیز بدل شده است. از آنجا که صنعت فولاد به‌شدت به مواد معدنی خاصی مانند سنگ آهن، مس و لیتیم وابسته است، سیاست‌های معدنی چین در راستای تقویت امنیت منابع، تسهیل انتقال به انرژی‌های سبز و کاهش وابستگی به واردات طراحی شده است. این سیاست‌ها علاوه بر رشد و توسعه داخلی این صنعت کمک کرده‌اند، بلکه تأثیرات چشمگیری در بازارهای جهانی نیز داشته‌اند.

تاریخچه و وضعیت فعلی صنعت فولاد و معادن چین

چین به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده بسیاری از مواد معدنی، بیش از ۵۰ درصد از فولاد تولید جهانی سنگ آهن ۶۰ درصد از تولید زغال‌سنگ را تأمین می‌کند. با این حال، این کشور برای برخی از مواد معدنی مانند سنگ آهن، کبالت، این وابستگی سبب شد تا چین از دهه ۲۰۰۰ میلادی سرمایه‌گذاری‌های کلانی در پروژه‌های معدنی در خارج از کشور انجام دهد. پروژه‌های عظیمی مانند «کمربند و جاده» (BRI) و دیگر سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی، کنترل زیربنای مهم مواد معدنی را در دسترس چین قرار داده است. چین در پی آن است تا وابستگی به واردات کالته و به‌ویژه در حوزه‌های انرژی استراتژیک مانند سنگ آهن و لیتیم، تولیدات داخلی خود را تقویت کند، در همین راستا، در روزهای اخیر، شرکت مردم در تمامی سطوح جامعه برنامه پنج‌ساله چهاردهم (۲۰۲۱-۲۰۲۵)، این کشور تأکید ویژه‌ای بر امنیت منابع معدنی، توسعه کشف‌های داخلی، اقتصاد چرخشی و ایجاد معادن سبز دارد. پیش‌بینی می‌شود تا پایان ۲۰۲۷، سرمایه‌گذاری‌ها در زمینه کشف‌های معدنی به بیش از ۵۰ میلیارد دلار (حدود ۲۰ میلیارد دلار آمریکا) برسد.

سیاست‌های کلیدی معدنی چین (در سال ۲۰۲۵)

۱. قانون جدید منابع معدنی

چین در سال ۲۰۲۲ اصلاحات درخوش‌توجهی در قانون مواد معدنی خود انجام داد که از ۲۰۲۶ تا ۲۰۳۱ اجرائی خواهد شد. این اصلاحات به‌ویژه بر لیتیم به‌عنوان ماده معدنی استراتژیک تأکید دارند و استخراج آن تحت نظارت دقیق‌تری قرار می‌گیرد. هدف این اصلاحات، پیشگیری از رقابت‌های ناسانج در بازار و استفاده از فناوری‌های نوین برای کاهش اثرات زیست‌محیطی استخراج منابع استراتژیک

چین، که بر تولید و صادرات عناصر نادر خاکی (REE) تسلط دارد و بیش از ۹۰ درصد از تولید جهانی این عناصر را در دست دارد، به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان لیتیم در جهان تبدیل شده است. پیش‌بینی می‌شود تولید لیتیم چین تا سال ۲۰۲۷، ۳۰ تا ۴۰ درصد افزایش یابد. همچنین چین محدودیت‌هایی بر صادرات مواد معدنی نادر مانند REE و لیتیم اعمال کرده تا موقعیت خود را در بازار حفظ کند.

۲. توسعه سبز و هوشمند

در راستای توسعه پایدار، چین برنامه‌هایی برای ایجاد معادن سبز آواز کرده است. این اقدام با استفاده از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی‌ها و خوردها و سیستم‌های هوشمند، به گونه‌ای طراحی شده‌ه که کمترین آسیب به محیط زیست وارد نکند. چین قصد دارد تا سال ۲۰۳۰، ۲۰ درصد از معادن خود را به صورت سبز رهاگذاری کند و آلئوندها تولیدشده به واسطه معادن ۴۵٪ کاهش دهد.

۳. وابستگی و واردات سنگ آهن

وابستگی چین به واردات سنگ آهن یکی از چالش‌های بزرگ این کشور است. در حال حاضر، بیش از ۸۰ درصد سنگ آهن چین از کشورهای دیگر تأمین می‌شود. برای کاهش این وابستگی، چین پروژه‌هایی مانند سیمان‌های کبینه را رهاگذاری کرده و در حال توسعه معادن سنگ آهن در کشورهای افریقایی و آسیایی است. هدف این کشور این است که تا سال ۲۰۳۰، وابستگی خود به واردات سنگ آهن را حداقل ۱۰ درصد کاهش دهد.

۵. سرمایه‌گذاری خارجی در معادن نفتاقلی

چین همچنین به‌عنوان بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار در معادن مواد معدنی برای فناوری‌های سبز، قصد دارد بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار در معادن و پروژه‌های انرژی سبز در خارج از کشور سرمایه‌گذاری کند. این سرمایه‌گذاری‌ها عمدتاً در کشورهای افریقایی، آمریکای لاتین و استرالیا متمرکز است.

چالش‌ها و اقدامات آتی

۱. سیاست‌های صادراتی

چین از ۲۰۲۵ سیاست‌هایی برای صادرات برخی از مواد معدنی استراتژیک خود، ازجمله REE، اتخاذ کرده است. این کشور کاهش جدیدی این اقدام به منظور حفظ سلطه این کشور بر بازارهای جهانی و جلوگیری از کاهش قیمت‌های داخلی به دلیل صادرات بی‌رویه طراحی شده است. همچنین، این محدودیت‌ها به منظور حمایت معدنی و تقویت صادرات انرژی خرب و استفاده از ابزار ژئوپلیتیکی در مذاکرات تجاری و دیپلماتیک بیکری می‌شود.

چین در سال‌های اخیر به طور مستمر در زمینه کشف‌های معدنی جدید در داخل کشور سرمایه‌گذاری کرده است. در سال ۲۰۲۴، این کشور رکورد جدیدی در تولید معدنی استراتژیک خود ثبت کرد و تولید برخی از مواد معدنی حیاتی مانند مس و نیکل در این کشور به بیش از ۱۰ میلیون تن رسید. همچنین پیش‌بینی می‌شود که تولید سنگ آهن داخلی چین تا سال ۲۰۳۰ به ۱۰٫۲ میلیارد تن برسد.

۲. ارتقای بخشی منابع

چین برای کاهش وابستگی خود به کشورهای معدنی مانند استرالیا و برزیل، در تلاش شده و تأثیر عمیق‌تری در پروژه‌های معدنی در کشورهای افریقایی و آسیایی است. پروژه‌های معدنی در کینه‌کوتی و شیبو به‌ویژه در حوزه کبالت و لیتیم و کبالت در حال توسعه هستند. هدف این پروژه‌ها تأمین مواد اولیه برای باتری‌های خودروهای برقی و دیگر فناوری‌های سنگ سبز است. سیاست‌های کلیدی چین به‌ویژه در حوزه صنعت فولاد، به طور شفاف از رشد تکنی به سمت کبالت بالا، پایدارتر زیست‌محیطی و امنیت منابع، تأثیرات داخلی و حرکت کرده است. تا توجیه به سمت تولیدات داخلی در معادن داخلی و خارجی، این اصلاحات نیاز در زمینه منابع معدنی و تقویت صادرات انرژی سبز، حرکت کرده است. تا توجیه به سمت تولیدات داخلی در معادن داخلی و خارجی، این اصلاحات نیاز در زمینه منابع معدنی و تقویت صادرات انرژی سبز، حرکت کرده است. تا وابستگی به واردات کاهش داده و به تأمین انرژی داخلی چین تساهل شود تا وابستگی به واردات داخلی این صنعت کمک کرده‌اند، بلکه تلاش در صنعت فولاد و دیگر صنایع معدنی ادامه دهد. این سیاست‌ها در راستای استراتژی بزرگ‌تر ساخت چین ۲۰۲۵ و انتقال به انرژی سبز قرار دارند و تأثیرات عمیقی بر بازارهای جهانی خواهند گذاشت.



فرانک آرتا

روزنامه‌نگاران همیشه ره‌ای تاخلفات، رنج‌ها و موفقیت‌های مردم در تمامی سطوح جامعه برنامه پنج‌ساله چهاردهم (۲۰۲۱-۲۰۲۵)، این کشور تأکید ویژه‌ای بر امنیت منابع معدنی، توسعه کشف‌های داخلی، اقتصاد چرخشی و ایجاد معادن سز دارد. پیش‌بینی می‌شود تا پایان ۲۰۲۷، سرمایه‌گذاری‌ها در زمینه کشف‌های معدنی به بیش از ۵۰ میلیارد دلار (حدود ۲۰ میلیارد دلار آمریکا) برسد.

سیاست‌های کلیدی معدنی چین (در سال ۲۰۲۵)

۱. قانون جدید منابع معدنی

چین در سال ۲۰۲۲ اصلاحات درخوش‌توجهی در قانون مواد معدنی خود انجام داد که از ۲۰۲۶ تا ۲۰۳۱ اجرائی خواهد شد. این اصلاحات به‌ویژه بر لیتیم به‌عنوان ماده معدنی استراتژیک تأکید دارند و استخراج آن تحت نظارت دقیق‌تری قرار می‌گیرد. هدف این اصلاحات، پیشگیری از رقابت‌های ناسانج در بازار و استفاده از فناوری‌های نوین برای کاهش اثرات زیست‌محیطی استخراج منابع استراتژیک

چین، که بر تولید و صادرات عناصر نادر خاکی (REE) تسلط دارد و بیش از ۹۰ درصد از تولید جهانی این عناصر را در دست دارد، به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان لیتیم در جهان تبدیل شده است. پیش‌بینی می‌شود تولید لیتیم چین تا سال ۲۰۲۷، ۳۰ تا ۴۰ درصد افزایش یابد. همچنین چین محدودیت‌هایی بر صادرات مواد معدنی نادر مانند REE و لیتیم اعمال کرده تا موقعیت خود را در بازار حفظ کند.

۲. توسعه سبز و هوشمند

در راستای توسعه پایدار، چین برنامه‌هایی برای ایجاد معادن سبز آواز کرده است. این اقدام با استفاده از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی‌ها و خوردها و سیستم‌های هوشمند، به گونه‌ای طراحی شده‌ه که کمترین آسیب به محیط زیست وارد نکند. چین قصد دارد تا سال ۲۰۳۰، ۲۰ درصد از معادن خود را به صورت سبز رهاگذاری کند و آلئوندها تولیدشده به واسطه معادن ۴۵٪ کاهش دهد.

۳. وابستگی و واردات سنگ آهن

وابستگی چین به واردات سنگ آهن یکی از چالش‌های بزرگ این کشور است. در حال حاضر، بیش از ۸۰ درصد سنگ آهن چین از کشورهای دیگر تأمین می‌شود. برای کاهش این وابستگی، چین پروژه‌هایی مانند سیمان‌های کبینه را رهاگذاری کرده و در حال توسعه معادن سنگ آهن در کشورهای افریقایی و آسیایی است. هدف این کشور این است که تا سال ۲۰۳۰، وابستگی خود به واردات سنگ آهن را حداقل ۱۰ درصد کاهش دهد.

۵. سرمایه‌گذاری خارجی در معادن نفتاقلی

چین همچنین به‌عنوان بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار در معادن مواد معدنی برای فناوری‌های سبز، قصد دارد بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار در معادن و پروژه‌های انرژی سبز در خارج از کشور سرمایه‌گذاری کند. این سرمایه‌گذاری‌ها عمدتاً در کشورهای افریقایی، آمریکای لاتین و استرالیا متمرکز است.

۶. سیاست‌های صادراتی

چین از ۲۰۲۵ سیاست‌هایی برای صادرات برخی از مواد معدنی استراتژیک خود، ازجمله REE، اتخاذ کرده است. این کشور کاهش جدیدی این اقدام به منظور حفظ سلطه این کشور بر بازارهای جهانی و جلوگیری از کاهش قیمت‌های داخلی به دلیل صادرات بی‌رویه طراحی شده است. همچنین، این محدودیت‌ها به منظور حمایت معدنی و تقویت صادرات انرژی خرب و استفاده از ابزار ژئوپلیتیکی در مذاکرات تجاری و دیپلماتیک بیکری می‌شود.

چین در سال‌های اخیر به طور مستمر در زمینه کشف‌های معدنی جدید در داخل کشور سرمایه‌گذاری کرده است. در سال ۲۰۲۴، این کشور رکورد جدیدی در تولید معدنی استراتژیک خود ثبت کرد و تولید برخی از مواد معدنی حیاتی مانند مس و نیکل در این کشور به بیش از ۱۰ میلیون تن رسید. همچنین پیش‌بینی می‌شود که تولید سنگ آهن داخلی چین تا سال ۲۰۳۰ به ۱۰٫۲ میلیارد تن برسد.

۲. ارتقای بخشی منابع

چین برای کاهش وابستگی خود به کشورهای معدنی مانند استرالیا و برزیل، در تلاش شده و تأثیر عمیق‌تری در پروژه‌های معدنی در کشورهای افریقایی و آسیایی است. پروژه‌های معدنی در کینه‌کوتی و شیبو به‌ویژه در حوزه کبالت و لیتیم و کبالت در حال توسعه هستند. هدف این پروژه‌ها تأمین مواد اولیه برای باتری‌های خودروهای برقی و دیگر فناوری‌های سنگ سبز است. سیاست‌های کلیدی چین به‌ویژه در حوزه صنعت فولاد، به طور شفاف از رشد تکنی به سمت کبالت بالا، پایدارتر زیست‌محیطی و امنیت منابع، تأثیرات داخلی و حرکت کرده است. تا توجیه به سمت تولیدات داخلی در معادن داخلی و خارجی، این اصلاحات نیاز در زمینه منابع معدنی و تقویت صادرات انرژی سبز، حرکت کرده است. تا وابستگی به واردات کاهش داده و به تأمین انرژی داخلی چین تساهل شود تا وابستگی به واردات داخلی این صنعت کمک کرده‌اند، بلکه تلاش در صنعت فولاد و دیگر صنایع معدنی ادامه دهد. این سیاست‌ها در راستای استراتژی بزرگ‌تر ساخت چین ۲۰۲۵ و انتقال به انرژی سبز قرار دارند و تأثیرات عمیقی بر بازارهای جهانی خواهند گذاشت.

گفت‌وگو با مینو بدیعی، روزنامه‌نگار باسابقه

در روزنامه‌ها زنان را به بازی نمی‌گرفتند

نیش نینده جامعه هستند و نمی‌گذارند هرگونه

موضوعی برای بدست‌آوردن حقوق شهروندی در کلبت بحث اجتماع سرهم‌په‌هم بماند، هرچند میزبان‌ها، مافیا و... مانع انتشار آنها شوند. اما همین افراد در جایگاه صنفی و شغلی خود همواره کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند و کاهی حتی با نام خود هیچ نیمه بی‌بیه نیز مجروح هستند. جدا از این، زنان روزنامه‌نگار در مقایسه با مردان کمتر جدی گرفته شده‌اند و حتی در طول تاریخ روزنامه‌نگاری، محلی از اعراب نداشته‌اند. درست است در این سال‌ها بازی‌های مدیو، روزنامه‌نگار و سابقه گفتگو کردیم.

را به نمایش بگذارند و به قولی خود را به اثبات برسانند. اما این تازه اول راه است. چه‌بسا همین زنان روزنامه‌نگار جدا از بحث کیفیت، در بحث کیفیت هم در پست‌های مدیریتی سطح بالا مثل مدیرمسئولی روزنامه‌نگاری تأثیرگذار یا رسانه‌های دیداری پربازدید، نشست بر صندلی معاونت مطبوعاتی و هر آنچه رای و نظیر آنها تأثیرگذار باشد، هنوز جا مانده‌اند! خلاصه اینکه روزنامه-مردان کمتر جدی گرفته شده‌اند و حتی در طول تاریخ روزنامه‌نگاری، محلی از اعراب نداشته‌اند. درست است در این سال‌ها بازی‌های مدیو، روزنامه‌نگار و سابقه گفتگو کردیم.

هم‌دکتر امیر طاهری، روزنامه‌نگاران شاخصی بوده و هستند. در حقیقت اگر مبنا را روزنامه‌نگاری قرار دهیم و به گرایش‌های سیاسی، این افراد منحصربه‌فرد بودند. بنا دکنتر فرامرز از طریق مقالات اجتماعی، کنرش سیاسی خود را آشکار کرد و آن زمان ما با سن کم می‌دیدیم که ایشان چگونه درهای مردم را با زبان سلیس و روان بیان می‌کردند، البته نه مثل دهخدا. حتماً می‌دانید که علی‌گبر دهخدا که با زبانی ساده و شیوا در روزنامه «صوراسرافیل» مسائل مختلف را به کنارش درمی‌آوردند. علامه دهخدا یکی از روزنامه‌نگاران نام این کشور بود که با نام مستعار «دخو» طنزنویسی هم می‌کرد، با دکتر صدرالدین الهی گزارش‌های اجتماعی و همچنین باورفی‌های زیبا و دلنشین می‌نوشتند.

❖ شما بعد از آن سن‌وسال چه کتاب‌هایی می‌خواندید؟چون فکر می‌کنم فارسی‌نویسی و شیوه‌تربیتی موضوعی راهمیت در آن دوران بود.

غیر از روزنامه‌های مختلف یاد هست کتاب‌های روان‌شناسی می‌خواندم، ازجمله دیل کارنگی، یا کتاب‌هایی درباره مدیریت، هنر زندگی‌کردن و زمان، البته از آن زمان خیلی گذشته و مطالعه خیلی از اسامی را فراموش کرده‌ام. مثلاً به یاد می‌آورم که در دوران دبیرستان ما آثار «جلال‌الاحمد» شیوع به خواندن بسیار زیاد می‌شد. همچنین شیوه نگارش ال‌احمد فوق‌العاده جالب بود و به قول همان ایشان سیمین دانشور، نثر شگافی داشت. البته من به چهارپن‌پن ایشان کاری ندارم، فقط دارم درباره شیوه نثر جلال صحبت می‌کنم.

روزنامه‌نگاران شاخصی در آن زمان می‌نوشتند و به هر حالت خواندن چنین کتاب‌هایی در شکلگیری نثر فارسی در ذه‌مان نیز بسازی داشت. ضمن اینکه در آن زمان صادق هدایت که تعدادی از آثارش من در توفیق بود، صبیح‌الینک نسل ما نسلی بود که دنبال نویسندگان نام‌آشنا‌ی ایران بود، از صادق هدایت گرفته تا جلال‌الاحمد و صادق شوق. صادق چوبک کتابی دارد به نام سنگ صبور که کمتر یاد می‌شود و نثر این کتاب تکان‌دهنده بود. داستان کتاب هم مثل پتکی روزنامه‌نگاری و به‌ویژه من روزنامه‌نگار می‌آید و آدم را به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. در کشور شرکت کردم و واقعاً کنکور درست‌وسجایی و سختی بود. در نهایت در رشته روزنامه‌نگاری قبول شدم، ریاست آن را هم برت بردی زبانی مهم‌الاسی ما کرد. این آقای مهدی باقری بر عهده داشتند که در مقطعی دکتري پشتی قرار دهند. در این دانشگاه استادان بزرگس مثل دکتر صدرالدین الهی، دکتر شمس‌معمدزاد و دکتر محمد تقفیی و موسی این دانشکده نثر صحیح‌الخط و نثر توطیه امیرعباس هویدا تدریس می‌کرد.

❖ ایشان مؤسس روزنامه‌های کیهان و روزنامه‌نگاران قدیمی کشور بودند؟
بله، دکتر مصباح‌الدین مؤسس کیهان و روزنامه‌نگاران قدیمی کشور بودند. خلاصه اینکه من به شوق موفقیت در رشته روزنامه‌نگاری امتحان دادم و باید بگویم این امتحانات بسیار کتبی بود و مثل امروز تستی نبود. استاد، موضوعی که می‌دانند یا دارند یا درباره آن می‌نویسند، من آن را در کتابم گذاشتم تا بعداً بتوانمیس منجر بومد، البته نثر تعریف از خود نباشد. خوشبختانه قبل‌تر به‌واسطه خدمت دولتی به‌عنوان مدیرمسئول روزنامه‌های خراسان لبقا باید مصاحبه حضوری گرفته شود. البته تعجبی‌آور بود، چون در مقطع فوق‌لیسانس باید مصاحبه حضوری می‌گرفتند، نه در دوره لیسانس، به هر جهت من به هر چه‌ای برای مصاحبه می‌رفتدم. کلاس آقای دکتر مصباح‌الدین الهی که در آن زمان مدیرمسئول دانشکده ارتباطات اجتماعی بود، به‌واسطه ایشان مصاحبه را انجام داد و پرسید که می‌نابید سرور روزنامه‌نگاری چیست؟ چون شناخت عمیق و فرهنگی نسبت به این کار نداشتم، گفتند: «آه بعد پرسید که اگر آشنای شدید و توضیح دادم که از طریق خواندن روزنامه‌ها آشنا شدم، خلاصه در مصاحبه هم قبول شدم، درحالی‌که تعدادی مردم در مصاحبه در وقت مصاحبه می‌پزد که من روزنامه‌نگار را انتخاب کردم. در کشور شرکت کردم و واقعاً کنکور درست‌وسجایی و سختی بود. در نهایت در رشته روزنامه‌نگاری قبول شدم، ریاست آن را هم برت بردی زبانی مهم‌الاسی ما کرد. این آقای مهدی باقری بر عهده داشتند که در مقطعی دکتري پشتی قرار دهند. در این دانشگاه استادان بزرگس مثل دکتر صدرالدین الهی، دکتر شمس‌معمدزاد و دکتر محمد تقفیی و موسی این دانشکده نثر صحیح‌الخط و نثر توطیه امیرعباس هویدا تدریس می‌کرد.

❖ چه جالب خوش به حالان!
دقیقا، کالاسی درباره ادبیات معاصر داشتیم که دکتر شفیعی‌دکنتی تدریس می‌کردند. در روزهای سه‌شنبه مسائل روز توطیه امیرعباس هویدا تدریس می‌کرد. آقای حوییدا با کل از کیده روی کشتی که نامش بود، وارد کلاس می‌شد و درباره مسائل مختلف حرف می‌زد. کلاس آقای دکتر مصباح‌الدین الهی که در آن زمان مدیرمسئول دانشکده ارتباطات اجتماعی بود، به‌واسطه ایشان مصاحبه را انجام داد و پرسید که می‌نابید سرور روزنامه‌نگاری چیست؟ چون شناخت عمیق و فرهنگی نسبت به این کار نداشتم، گفتند: «آه بعد پرسید که اگر آشنای شدید و توضیح دادم که از طریق خواندن روزنامه‌ها آشنا شدم، خلاصه در مصاحبه هم قبول شدم، درحالی‌که تعدادی مردم در مصاحبه در وقت مصاحبه می‌پزد که من روزنامه‌نگار را انتخاب کردم. در کشور شرکت کردم و واقعاً کنکور درست‌وسجایی و سختی بود. در نهایت در رشته روزنامه‌نگاری قبول شدم، ریاست آن را هم برت بردی زبانی مهم‌الاسی ما کرد. این آقای مهدی باقری بر عهده داشتند که در مقطعی دکتري پشتی قرار دهند. در این دانشگاه استادان بزرگس مثل دکتر صدرالدین الهی، دکتر شمس‌معمدزاد و دکتر محمد تقفیی و موسی این دانشکده نثر صحیح‌الخط و نثر توطیه امیرعباس هویدا تدریس می‌کرد.

❖ چه جالب خوش به حالان!
دقیقا، کالاسی درباره ادبیات معاصر داشتیم که دکتر شفیعی‌دکنتی تدریس می‌کردند. در روزهای سه‌شنبه مسائل روز توطیه امیرعباس هویدا تدریس می‌کرد. آقای حوییدا با کل از کیده روی کشتی که نامش بود، وارد کلاس می‌شد و درباره مسائل مختلف حرف می‌زد. کلاس آقای دکتر مصباح‌الدین الهی که در آن زمان مدیرمسئول دانشکده ارتباطات اجتماعی بود، به‌واسطه ایشان مصاحبه را انجام داد و پرسید که می‌نابید سرور روزنامه‌نگاری چیست؟ چون شناخت عمیق و فرهنگی نسبت به این کار نداشتم، گفتند: «آه بعد پرسید که اگر آشنای شدید و توضیح دادم که از طریق خواندن روزنامه‌ها آشنا شدم، خلاصه در مصاحبه هم قبول شدم، درحالی‌که تعدادی مردم در مصاحبه در وقت مصاحبه می‌پزد که من روزنامه‌نگار را انتخاب کردم. در کشور شرکت کردم و واقعاً کنکور درست‌وسجایی و سختی بود. در نهایت در رشته روزنامه‌نگاری قبول شدم، ریاست آن را هم برت بردی زبانی مهم‌الاسی ما کرد. این آقای مهدی باقری بر عهده داشتند که در مقطعی دکتري پشتی قرار دهند. در این دانشگاه استادان بزرگس مثل دکتر صدرالدین الهی، دکتر شمس‌معمدزاد و دکتر محمد تقفیی و موسی این دانشکده نثر صحیح‌الخط و نثر توطیه امیرعباس هویدا تدریس می‌کرد.

❖ آقای فرامرز از تخیلی جانی افشنند تا امروز خشان نادیده گرفته شده و درباره ایشان بی‌انصافی شده است. روزنامه‌نگار شاخصی مثل عبدالرحمن فردوسی که در زمان موزد دهری می‌نوشت، بعداً دکتر صدر ال‌لهی کتاب درمستی پایدار کردند که ما دانشجوین با خط‌افز آن را می‌شناسیم. چون بسیار جالب بود و درباره حقوق سیاسی صحبت می‌کرد. ایشان بعد از انقلاب در تبعید بودند و به‌واسطه علمای سیاسی دانشگاه تهران و رتس دانشگاه علوم سیاسی دانشگاه تهران و رتس دبیر نگار شد.
❖ **استاد زن هم داشتید؟**
من به‌واسطه هیچ استاد زن نبودم! دانشات!

استادان زن ما اغلب زبان انگلیسی و فرانسه تدریس می‌کردند. چون رشته علوم انسانی را روزنامه‌نگاری قرار دهیم و به گرایش‌های سیاسی، این افراد منحصربه‌فرد بودند. بنا دکنتر فرامرز از طریق مقالات اجتماعی، کنرش سیاسی خود را آشکار کرد و آن زمان ما با سن کم می‌دیدیم که ایشان چگونه درهای مردم را با زبان سلیس و روان بیان می‌کردند، البته نه مثل دهخدا. حتماً می‌دانید که علی‌گبر دهخدا که با زبانی ساده و شیوا در روزنامه «صوراسرافیل» مسائل مختلف را به کنارش درمی‌آوردند. علامه دهخدا یکی از روزنامه‌نگاران نام این کشور بود که با نام مستعار «دخو» طنزنویسی هم می‌کرد، با دکتر صدرالدین الهی گزارش‌های اجتماعی و همچنین باورفی‌های زیبا و دلنشین می‌نوشتند.

❖ شما بعد از آن سن‌وسال چه کتاب‌هایی می‌خواندید؟چون فکر می‌کنم فارسی‌نویسی و شیوه‌تربیتی موضوعی راهمیت در آن دوران بود.
غیر از روزنامه‌های مختلف یاد هست کتاب‌های روان‌شناسی می‌خواندم، ازجمله دیل کارنگی، یا کتاب‌هایی درباره مدیریت، هنر زندگی‌کردن و زمان، البته از آن زمان خیلی گذشته و مطالعه خیلی از اسامی را فراموش کرده‌ام. مثلاً به یاد می‌آورم که در دوران دبیرستان ما آثار «جلال‌الاحمد» شیوع به خواندن بسیار زیاد می‌شد. همچنین شیوه نگارش ال‌احمد فوق‌العاده جالب بود و به قول همان ایشان سیمین دانشور، نثر شگافی داشت. البته من به چهارپن‌پن ایشان کاری ندارم، فقط دارم درباره شیوه نثر جلال صحبت می‌کنم.

روزنامه‌نگاران شاخصی در آن زمان می‌نوشتند و به هر حالت خواندن چنین کتاب‌هایی در شکلگیری نثر فارسی در ذه‌مان نیز بسازی داشت. ضمن اینکه در آن زمان صادق هدایت که تعدادی از آثارش من در توفیق بود، صبیح‌الینک نسل ما نسلی بود که دنبال نویسندگان نام‌آشنا‌ی ایران بود، از صادق هدایت گرفته تا جلال‌الاحمد و صادق شوق. صادق چوبک کتابی دارد به نام سنگ صبور که کمتر یاد می‌شود و نثر این کتاب تکان‌دهنده بود. داستان کتاب هم مثل پتکی روزنامه‌نگاری و به‌ویژه من روزنامه‌نگار می‌آید و آدم را به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. در کشور شرکت کردم و واقعاً کنکور درست‌وسجایی و سختی بود. در نهایت در رشته روزنامه‌نگاری قبول شدم، ریاست آن را هم برت بردی زبانی مهم‌الاسی ما کرد. این آقای مهدی باقری بر عهده داشتند که در مقطعی دکتري پشتی قرار دهند. در این دانشگاه استادان بزرگس مثل دکتر صدرالدین الهی، دکتر شمس‌معمدزاد و دکتر محمد تقفیی و موسی این دانشکده نثر صحیح‌الخط و نثر توطیه امیرعباس هویدا تدریس می‌کرد.

❖ شما که با اصطلاح نسل پنجم روزنامه‌نگاری بودید، چطور شده که به‌طور حرفه‌ای وارد فضای روزنامه‌نگاری شده‌اید؟
امثال کشمش صدرالدین الهی و دکتر شمس‌معمدزاد دهخشان این بود که روزنامه‌نگاران متخصص نثر فارسی بودند. بنابراین گروه ما از سال دوم دانشکده به نام «دوره‌های» نام‌گذاری شد. البته در آن زمان هنوز امتحان کردند، استاد انضعیام آقای امیر طاهری بود که آن زمان معاون مدیرسیر کیهان انگلیسی بود که با همین مآشین‌های تحریر مقالات به زبان انگلیسی می‌نوشت و وقعا آدم با‌سوادى بود. آقای طاهری را که بعد از آن مصباح‌الدین الهی و دکتر شمس‌معمدزاد دهخشان این بود که روزنامه‌نگاران متخصص نثر فارسی بودند. بنابراین گروه ما از سال دوم دانشکده به نام «دوره‌های» نام‌گذاری شد. البته در آن زمان هنوز امتحان کردند، استاد انضعیام آقای امیر طاهری بود که آن زمان معاون مدیرسیر کیهان انگلیسی بود که با همین مآشین‌های تحریر مقالات به زبان انگلیسی می‌نوشت و وقعا آدم با‌سوادى بود. آقای طاهری را که بعد از آن مصباح‌الدین الهی و دکتر شمس‌معمدزاد دهخشان این بود که روزنامه‌نگاران متخصص نثر فارسی بودند. بنابراین گروه ما از سال دوم دانشکده به نام «دوره‌های» نام‌گذاری شد. البته در آن زمان هنوز امتحان کردند، استاد انضعیام آقای امیر طاهری بود که آن زمان معاون مدیرسیر کیهان انگلیسی بود که با همین مآشین‌های تحریر مقالات به زبان انگلیسی می‌نوشت و وقعا آدم با‌سوادى بود.

❖ چه جالب خوش به حالان!
دقیقا، کالاسی درباره ادبیات معاصر داشتیم که دکتر شفیعی‌دکنتی تدریس می‌کردند. در روزهای سه‌شنبه مسائل روز توطیه امیرعباس هویدا تدریس می‌کرد. آقای حوییدا با کل از کیده روی کشتی که نامش بود، وارد کلاس می‌شد و درباره مسائل مختلف حرف می‌زد. کلاس آقای دکتر مصباح‌الدین الهی که در آن زمان مدیرمسئول دانشکده ارتباطات اجتماعی بود، به‌واسطه ایشان مصاحبه را انجام داد و پرسید که می‌نابید سرور روزنامه‌نگاری چیست؟ چون شناخت عمیق و فرهنگی نسبت به این کار نداشتم، گفتند: «آه بعد پرسید که اگر آشنای شدید و توضیح دادم که از طریق خواندن روزنامه‌ها آشنا شدم، خلاصه در مصاحبه هم قبول شدم، درحالی‌که تعدادی مردم در مصاحبه در وقت مصاحبه می‌پزد که من روزنامه‌نگار را انتخاب کردم. در کشور شرکت کردم و واقعاً کنکور درست‌وسجایی و سختی بود. در نهایت در رشته روزنامه‌نگاری قبول شدم، ریاست آن را هم برت بردی زبانی مهم‌الاسی ما کرد. این آقای مهدی باقری بر عهده داشتند که در مقطعی دکتري پشتی قرار دهند. در این دانشگاه استادان بزرگس مثل دکتر صدرالدین الهی، دکتر شمس‌معمدزاد و دکتر محمد تقفیی و موسی این دانشکده نثر صحیح‌الخط و نثر توطیه امیرعباس هویدا تدریس می‌کرد.

❖ چه جالب خوش به حالان!
دقیقا، کالاسی درباره ادبیات معاصر داشتیم که دکتر شفیعی‌دکنتی تدریس می‌کردند. در روزهای سه‌شنبه مسائل روز توطیه امیرعباس هویدا تدریس می‌کرد. آقای حوییدا با کل از کیده روی کشتی که نامش بود، وارد کلاس می‌شد و درباره مسائل مختلف حرف می‌زد. کلاس آقای دکتر مصباح‌الدین الهی که در آن زمان مدیرمسئول دانشکده ارتباطات اجتماعی بود، به‌واسطه ایشان مصاحبه را انجام داد و پرسید که می‌نابید سرور روزنامه‌نگاری چیست؟ چون شناخت عمیق و فرهنگی نسبت به این کار نداشتم، گفتند: «آه بعد پرسید که اگر آشنای شدید و توضیح دادم که از طریق خواندن روزنامه‌ها آشنا شدم، خلاصه در مصاحبه هم قبول شدم، درحالی‌که تعدادی مردم در مصاحبه در وقت مصاحبه می‌پزد که من روزنامه‌نگار را انتخاب کردم. در کشور شرکت کردم و واقعاً کنکور درست‌وسجایی و سختی بود. در نهایت در رشته روزنامه‌نگاری قبول شدم، ریاست آن را هم برت بردی زبانی مهم‌الاسی ما کرد. این آقای مهدی باقری بر عهده داشتند که در مقطعی دکتري پشتی قرار دهند. در این دانشگاه استادان بزرگس مثل دکتر صدرالدین الهی، دکتر شمس‌معمدزاد و دکتر محمد تقفیی و موسی این دانشکده نثر صحیح‌الخط و نثر توطیه امیرعباس هویدا تدریس می‌کرد.

❖ چه جالب خوش به حالان!
دقیقا، کالاسی درباره ادبیات معاصر داشتیم که دکتر شفیعی‌دکنتی تدریس می‌کردند. در روزهای سه‌شنبه مسائل روز توطیه امیرعباس هویدا تدریس می‌کرد. آقای حوییدا با کل از کیده روی کشتی که نامش بود، وارد کلاس می‌شد و درباره مسائل مختلف حرف می‌زد. کلاس آقای دکتر مصباح‌الدین الهی که در آن زمان مدیرمسئول دانشکده ارتباطات اجتماعی بود، به‌واسطه ایشان مصاحبه را انجام داد و پرسید که می‌نابید سرور روزنامه‌نگاری چیست؟ چون شناخت عمیق و فرهنگی نسبت به این کار نداشتم، گفتند: «آه بعد پرسید که اگر آشنای شدید و توضیح دادم که از طریق خواندن روزنامه‌ها آشنا شدم، خلاصه در مصاحبه هم قبول شدم، درحالی‌که تعدادی مردم در مصاحبه در وقت مصاحبه می‌پزد که من روزنامه‌نگار را انتخاب کردم. در کشور شرکت کردم و واقعاً کنکور درست‌وسجایی و سختی بود. در نهایت در رشته روزنامه‌نگاری قبول شدم، ریاست آن را هم برت بردی زبانی مهم‌الاسی ما کرد. این آقای مهدی باقری بر عهده داشتند که در مقطعی دکتري پشتی قرار دهند. در این دانشگاه استادان بزرگس مثل دکتر صدرالدین الهی، دکتر شمس‌معمدزاد و دکتر محمد تقفیی و موسی این دانشکده نثر صحیح‌الخط و نثر توطیه امیرعباس هویدا تدریس می‌کرد.

❖ استادان زن هم داشتید؟
من به‌واسطه هیچ استاد زن نبودم! دانشات!

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

یادداشت

سوزاندن، آخرین درمان است!

عباس نجیرکلهرودی

ضرب‌المثلی از زبان عربی وارد ادبیات فارسی شده که معنوشون این است: آخرین درمان، داغ‌کردن است! (آخر الدّواء الّکفر). براساس این نسخه تئوریشده فرهنگ اعراب کهن، چنانچه زخم مجروح با درمان‌های رایج در دسترس نبودن نایفت، آخرین راهکار داغ‌کردن محل زخم یا یک وسیله آهین گذاشته در آتش است.

مدت‌هاست در کشورمان، هر مشکلی که در حوزه‌های مختلف اقتصادی و تازاری‌ها به دلیل کارآمدی‌ها، تورم انتظاری، ساختار بودجه و کسری بودجه... و بیش می‌آید، به نظر مسئولان، مقصر آن مردمان و راهکار ساده و در دسترس آن مانند همان داغ‌کردن زخم مجروح و مضموم، یعنی «داغ‌کردن» در آتش است.

این تمایل به گران‌سازى، صرفاً یک انتخاب نیست، بلکه معلول یک بیماری ساختاری عمیق است. بودجه‌ها که درآمدهای نفتی وابسته است، دولتی که هزینه‌های جاری عظیمی دارد و نظام مالیاتی که قادر به تأمین منابع پایدار نیست، دولت‌ها را در مواجهه با کسری بودجه به سمت در دسترس‌ترین منبع درآمد، یعنی «چپ مردم» سوق می‌دهند. درواقع «داغ‌کردن» به یک انتخاب در دسترس‌تر بلکه یک اجبار ناشی از ناتوانی در اجرای جراحی‌های بزرگ‌تر و ضروری‌تر مانند اصلاحات ساختاری، کوچ‌سازی دولت و مبارزه با فزاینده مالیاتی و تازاری اقتصادی و نداشتن شیوه درمان مناسب است.

البته مدافعان این سیاست استدلال می‌کنند که قیمت‌های پایین و یارانه‌های بنیان، به نفع اقشار زراعت‌مدن تمام می‌شود، مصرف بی‌رویه را تشویق می‌کند و زمینه‌ساز قاچاق بیشتر می‌شود. آنها این گرائی را «واقعی‌سازی قیمت‌ها» و گامی در راستای «توزیع عادلانه‌تر بارها» می‌دانند اما با این استدلال‌ها، بخش مهمی از واقعیت را نادیده می‌گیرند: شوک تورمی ناشی از گران‌ها، با فشارین آسیب را به همان اقشار ضعیف و متوسط جامعه می‌زند که قرار بود از این سیاست اقتصادی بهره‌مند شوند. تا زمانی که سازوکارهای حمایتی بگیرین، یارانه‌ها و نقض ضابط «واقعی‌سازی قیمت» در عمل به «نهاده‌سازی فقر» منجر می‌شود و مشکل قاچاق نیز، همان‌طور که تجربه نشان داد، با وجود شبکه‌های سازمان‌یافته، همچنان به قوت خود باقی خواهد بود.

در همه‌های گذشته و در اغلب دولت‌ها، اجرای این‌کردن خدمات و کارلاها به بهانه لزرائی آن، بارها تکرار شده است که به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

۱-۱: گران‌های بدون افزایش قیمت
بارها شاهد گزارش‌های تلویزیونی و مطبوعاتی بوده‌ایم که مدعی بوده‌اند به علت افزایش قیمت آرد، یخت نا کیفیت خوبی ندارد، ضایعات آن تولید نا ارزش کم و دوزیر آن بسیار زیاده است، بخشی از آردها به دلیل تفاوت قیمت، به صورت مستقیم، با محصولات دیگر به خارج از کشور و کشورهای همسایه قاچاق می‌شود...

در سال‌های گذشته، وقتی که موضوع توجیه افزایش قیمت تا در اجرای آن، کارشناسان اقتصادی پیشنهاد می‌کردند که این گزارش، شخصی ناز تازه را در سببی نگرانی می‌شود که اجناسی در این راجتی‌ها وجود ندارد، هم‌زمان گزارش‌